



موسسه مطالعات ایران و اوراسیا
The Institute for Iran-Eurasia Studies
ИСТИТУТ ИСЛУДОВАНИЙ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

موانع، فرصت‌ها و چشم‌انداز روابط ایران و قزاقستان در آسیای مرکزی

گزارش نشست



ایراس: در ادامه سلسله نشست‌های علمی و تخصصی موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، عصر چهارشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۹۶ نشست «موانع، فرصت‌ها و چشم‌اندازهای روابط میان ایران و قزاقستان در آسیای مرکزی» با حضور آقایان یرژان سالتیبایف (مدیر موسسه سیاست و اقتصاد جهانی قزاقستان (IWEF)) و روسلان ایزیمف (کارشناس حوزه چین در موسسه IWEF) و چند نفر از اعضای شورای علمی و کارشناسان ایراس به ریاست جناب آقای دکتر کیانی در محل موسسه ایراس برگزار شد و مسائل پیرامون روابط دوجانبه، موانع و فرصت‌های توسعه روابط دو کشور و همچنین دیگر مسائل مربوط به قزاقستان به صورت گفتگو محور و در قالب پرسش و پاسخ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ابتدا جناب آقای دکتر کیانی در باب اهمیت روابط ایران و قزاقستان به این نکته اشاره کردند که قزاقستان در منطقه آسیای مرکزی برای ایران مهمترین کشوری است که در اولویت گسترش روابط قرار دارد. یرژان سالتیبایف نیز در ابتدا ضمن اظهار خرسندی از آشنایی با مجموعه ایراس، از این موسسه به خاطر دعوت از کارشناسان موسسه IWEF قدردانی کرد و ضمناً به آشنایی قبلی جناب آقای آکیم بیکف مدیر سابق موسسه سیاست و اقتصاد جهانی قزاقستان (IWEF) با موسسه ایراس و فعالیت‌های آن اشاره نمود. وی در ادامه به معرفی کوتاهی درباره موسسه سیاست و اقتصاد جهانی قزاقستان (IWEF) پرداخت. متن کامل مباحث نشست از قرار زیر است.

یرژان سالتیبایف:

ما اخیراً بنیادی در ریاست جمهوری قزاقستان داریم که موسسه ما پیگیر امور آن است. این موسسه به اجرای طرح‌ها و ایده‌های وزارت امور خارجه و ریاست جمهوری می‌پردازد؛ ولی در کل یک بخش خصوصی محسوب می‌شود و هیچ ارتباطی به دولت ندارد جز اینکه ساختارها و فرآیندهایی که دولت نیاز به مشورت دارد در اختیار موسسه قرار گرفته و کارشناسان موسسه هم بر روی آنها کار می‌کنند. موسسه IWEP مجموعه بزرگی نیست، با این حال همکاران ما در موسسه، همچون آقای ایزیمف که به طور تخصصی در گروه چین کار می‌کند، به طور تخصصی در حوزه‌های مرتبط با روسیه، ازبکستان، تاتارستان و همچنین بویژه مسائلی که مدنظر قزاقستان هم هست مشغول به کارند. این بار همکاران ما در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی این سفر را برنامه‌ریزی کردند تا مسائل موردنظر را با هم به بحث بگذاریم. نکته مهم دیگر در رابطه با فعالیت موسسه ما طرح مشترک کلپ آستانه است که توسط این موسسه طراحی شده است و بولتنی که در اختیار شما قرار دادیم دستور کار سفرهای ما در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ است که به طور مختصر در این بولتن در مورد آنها بحث شده است. ما در ذیل طرح کلپ آستانه برنامه اوراسیای بزرگ را برای سال ۲۰۲۷ طراحی کردیم و در چارچوب آن به بررسی وضعیت فعلی و ۱۰ سال آتی منطقه می‌پردازیم و در آن به بررسی مسائلی از قبیل پروژه‌های غرب، وضعیت چین، روسیه و اروپا در شرایط فعلی و ۱۰ سال آینده و همچنین چگونگی همکاری قزاقستان با آنها می‌پردازیم. به هر حال، قزاقستان به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای واقع شده است که در طرح‌های مرتبط با آسیای مرکزی و قفقاز همواره مشارکت دارد و با کمال میل از آینده همکاری‌ها و دورنمای روابط استقبال می‌کند. جناب آقای دکتر سنایی هم در سال گذشته در نشست کلپ آستانه حضور داشتند و ما از حضور ایشان تشکر و قدردانی می‌کنیم و ضمناً نمایندگانی هم از کشورهای چک، روسیه و حتی بوسنی در نشست کلپ آستانه شرکت کردند.

حسن بهشتی پور: موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

قزاقستان با بیش از دو میلیون و هفتصد هزار کیلومتر مربع وسعت که از نظر مساحت نهمین کشور جهان است همچنین از نظر جمعیت و موقعیت استقرار آن در بین روسیه و چین و خزر به عنوان یکی از کشورهای مهم آسیای مرکزی محسوب می‌شود. حجم تبادلات این کشور در سال ۲۰۱۶، در مجموع ۳۵ میلیارد دلار صادرات و ۲۵ میلیارد دلار برای واردات بود؛ با این حال، از این میزان، صرفاً کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار صرف روابط دوجانبه بین ایران و قزاقستان شده است. این سوال برای من مطرح است که با توجه به زمینه‌های بسیار خوبی که در گذشته وجود داشته و الان هم دارد و می‌تواند در آینده هم تقویت شود چرا تا این اندازه سطح مناسبات دو کشور پایین است؟ با توجه به اینکه ما به ویژه در گذشته سوآپ نفت داشتیم، که اکنون یا در اثر تحریم‌ها یا با تصمیم قزاقستان این امر متوقف شده است. این امر زمینه بسیار خوبی برای همکاری بود، همچنین راه‌اندازی خط آهن ایران-ترکمنستان-قزاقستان، از جمله موضوعاتی بود که از سال ۱۹۹۳ تا الان بر روی این موضوع صحبت‌هایی مطرح می‌شود و هنوز هم مرتباً گفته می‌شود که قسمت ترکمنستان در حال آماده شدن برای راه‌اندازی است و تحولی در مناسبات به وجود می‌آید. بحث کشتیرانی در خزر هم از موضوعات دیگری است که آن هم می‌تواند به طور قابل توجهی موجب تقویت مبادلات مستقیم ایران و قزاقستان از طریق دریای

خزر باشد. این زمینه‌ها چرا فعال نمی‌شود، آیا به دلیل تحریم‌های ایران است که البته بعد از برجام این تحریم‌ها هم برداشته شده است؟ بویژه مباحثی هم در مورد تأسیس یک بانک مشترک و دست کم راه‌اندازی بانکی که بتواند از تجارت و بازرگانی پشتیبانی به عمل آورد مطرح می‌شود، بانکی که قادر به تأیید ال سی‌ها باشد و بتواند از بازرگانان ایرانی و قزاقی برای انجام مبادلات پشتیبانی کند، و حداقل در مورد ویزا این سوال مطرح است که برای بازرگانان چرا تا این اندازه سخت‌گیری می‌شود؟ به هر حال موسسات مطالعاتی باید در این زمینه‌ها به بررسی مسائل بپردازند و حداقل کاری که می‌توانند بکنند در زمینه توریست است، که ما انتظار داریم یکی از زمینه‌های خوبی که فراهم می‌شود در این حوزه باشد و ایرانی‌ها به جای رفتن به دبی از قزاقستان دیدن کنند و با فرهنگ این کشور آشنا شوند و یا برعکس قزاق‌ها هم به ایران آمده و با فرهنگ ایرانی آشنا شوند.

به هر حال در موضوع همکاری منطقه‌ای، هم در موضوع خزر، هم موضوع مبارزه با افراط‌گرایی، مبارزه با تروریست، همکاری در چارچوب آکو و موضوعاتی از این دست مطرح است که مرتب تکرار هم می‌شوند؛ درکل از سال ۱۹۹۳ تا کنون، چیزی در حدود ۵۰ توافقنامه یا در سطح دوجانبه یا قرارداد داریم که هنوز اجزایی نشده است، یعنی طی این ۲۵ سال نزدیک به ۵۰ قرارداد و توافق به دست آوردیم که هنوز معلوم نیست به چه دلیلی اجرایی نمی‌شوند و دچار مشکل هستند. و هر کدام از این توافقات که بخشی از آنها اجرا شده و بخشی دیگر اجرا نشده، بعضی‌ها هم که اصلاً اجرا نشده است. در هر صورت امیدوارم در سطح منطقه‌ای هم مواردی برای همکاری پیدا کنیم. در سطح بین‌المللی نیز، ما از اینکه آلمانی دو بار میزبان مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ بود بسیار خرسند شدیم که بالاخره یک شهری در آسیای مرکزی، مرکز توجه بین‌المللی واقع شده است و این خود در زمینه همکاری‌های ایران و قزاقستان تأثیر مفیدی داشت. هم چنین ۵ دور مذاکرات سوریه در آستانه برگزار شد که این هم نقش قزاقستان را در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی برجسته کرد و ایران هم حمایت خوبی از این امر به عمل آورد و از این میزبانی بسیار خوشنود است و عقیده دارد هم روسیه، هم ترکیه و هم ایران می‌توانند این مذاکرات را به سرانجامی برسانند اینها موارد مثبتی بود برای این که بگویم حتی در سطح بین‌المللی هم می‌شود کار کرد، همچنان که ایران هم در سازمان ملل از عضویت غیردائم قزاقستان حمایت کرد و به آن رأی داد و موضوعاتی از این قبیل. خلاصه اینکه این انتظار وجود دارد که سطح مناسبات هم در سطح دوجانبه، هم در سطح منطقه‌ای، هم بین‌المللی گسترش یابد. البته در این موارد بنده پیشنهادهایی دارم که در صورت کفایت وقت جلسه ارائه خواهیم کرد.

یروزان سالتیبایف: ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

اینجا سوالات زیادی مطرح شد که ابتدا به سطح روابط اقتصادی می‌پردازم. در مورد سطح روابط اقتصادی شما درست فرمودید صادرات ما در مجموع بیش از واردات ما بوده و آمار شمار هم درست است. سوالی هم که در این باره مطرح کردید قاعدتاً جواب آن را هم می‌دانید، من هم جواب آن را می‌دانم اما مایلم در این باره نظر شما را بدانم.

حسن بهشتی پور:

پس باید وارد مسائل اقتصادی شویم. من در صحبت‌هایم اشاره کردم که بخشی از این مباحث به تحریم‌ها مربوط است. آنگونه که به طور رسمی اعلام شد از سال ۲۰۰۱ به بعد قطعنامه پشت قطعنامه علیه ایران صادر شد و به طور مشخص

سال ۲۰۰۶ اوج آن بود، و این موضوع حداقل در سطح مناسبات ایران و قزاقستان مطرح می‌شد که قزاقستان برای برقراری ارتباط با ایران تحت فشار است و این ارتباط حتی در حد مبادله نفت که به صورت سوآپ انجام می‌گرفت متوقف شد. البته بعضی می‌گویند مسیر این همکاری، در داخل ایران بسته شد و در این مورد، دست کم خود من تا کنون متوجه نشدم و نتوانستم دریابم که طرف قزاقی مسبب این امر بود یا طرف ایرانی و یا هر دو. پس یک موضوع، بحث تحریم‌هاست. البته دلایل دیگری هم بر این امر مترتب است که توضیح خواهم داد.

نکته مهم بعدی عدم معرفی درست از امکانات یکدیگر است. یعنی بازرگانان ایرانی از امکانات موجود در قزاقستان اطلاع کمی دارند یا اصلاً اطلاعی ندارند و برعکس؛ بازرگانان و تجار قزاقستانی هم از امکاناتی که ایران می‌تواند در اختیار آنها قرار دهد بی‌اطلاع هستند. این به این دلیل است که این امکانات درست معرفی نشده است. روی سایت سفارتخانه ما و همینطور سایت سفارتخانه قزاقستان یک سری اطلاعات قرار گرفته است اما این در حدی نیست که معرف دقیقی از امکانات باشد و بتواند پاسخگوی تجار و بازرگانان دو طرف باشد. به نظرم این یک نقص جدی است. مثلاً من وقتی به دوستانم می‌گویم قزاقستان بزرگترین تولیدکننده اورانیوم در جهان است واقعا تعجب می‌کنند. یعنی از چنین موضوع با اهمیتی بی‌اطلاعند. خلاصه اینکه کم اطلاعی راجع به ایران و بالعکس در مورد قزاقستان یکی از عواملی است که سطح مناسبات اقتصادی دو کشور را محدود می‌کند (و البته عامل دومی که توضیح دادم).

بحث دیگر اینکه در سال ۱۳۹۳ من بسیار خوشحال شدم از اینکه پروژه حمل و نقل ریلی ایران - ترکمنستان - قزاقستان بالاخره راه‌اندازی شد. چون بخش قزاقستان به ترکمنستان که در واقع به هم متصل است. از زمان شوروی این دو بخش با یکدیگر مرتبط شده بودند. این بخش تنها مستلزم مقداری بهسازی و کارهایی از این قبیل است. اما در بخش مربوط به ایران و ترکمنستان، از این سمت این اتصال صورت گرفته است، با این حال معلوم نیست چه مانعی وجود دارد. البته در سال ۱۳۹۳ من در گفتگو با چند نفر از پژوهشگران وزارت نفت ایران ابراز خرسندی کرده بودم که این خط می‌تواند در بهبود مناسبات اقتصادی ایران - قزاقستان و به خصوص در رابطه با همکاری‌های کریدور شمال - جنوب که مرتب از آن صحبت می‌شود موثر واقع شود. در آن جلسه شاهد بودم که دو تن از کارشناسان وزارت راه اشاره کردند که مشکل ما واگن است. به گفته ایشان این تبادل به دلیل اختلاف ریلی که داریم مشکل است. ما درواقع کمبود واگن داریم و این کمبود واگن بیشتر از جانب قزاقستان است. برای آنکه قزاقستان باید این واگن‌ها را در اختیار ما قرار دهد. درواقع این همه زحمت کشیده شده، ریل ساخته شده، اکنون که مبادلات می‌خواهد انجام شود، مشکل واگن مطرح شده است (به اصطلاح قانون بوژی (تناسب واگن با ریل)). و بحث دیگر، در مورد تعرفه پروانه‌هایی است که برای حمل و نقل تریلی در اختیار راننده‌ها قرار می‌دهند؛ می‌گویند که در این رابطه هم قزاقستان محدودیت قائل می‌شود و اجازه صدور این پروانه‌ها را به راننده‌هایی که می‌خواهند حمل و نقل جاده‌ای انجام دهند نمی‌دهد. وقتی همین موارد کوچک را یکی یکی در کنار هم قرار می‌دهیم می‌بینیم که با چه حجمی از موانع مواجهیم. یعنی در سطوح بالا توافقات صورت می‌گیرد، اما در سطوح پایین در موضوع کامیون و واگن و ... می‌ماند.

یرژان سالتیبایف:

مشکل خاصی که در توسعه روابط طبیعی ما مزاحمت ایجاد کرده، عامل جغرافیایی است. ایران و قزاقستان هم‌مرز نیستند. در این جا مابین دو کشور دولت حائلی به نام ترکمنستان واقع شده است، بنابراین در مرز زمینی مشکل داریم، ممکن است گاهی مواقع هم ترکمنستان مشکلاتی ایجاد کند. بنابراین بهترین راه برای تبادل کالا برای ما استفاده از مسیر

دریایی دریای خزر است. ما مدت زمانی طولانی کشتی نداشتیم، طی این ۲۵ سال پس از فروپاشی شوروی، ما صنعت کشتی‌سازی نداشتیم. کشتی‌های مناسبی هم برای باربری و ترانزیت کالا در اختیارمان نبود. ولی الان وضع بهتر شده است و به روسیه و از آستاراخان سفارش می‌دهیم که برای ما بسازند. الان چند مورد از این کشتی‌ها هم روی آب افتاده و در مقادیر بسیار بالا برای حمل و نقل کالا می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. فکر می‌کنم الان دیگر برای افزایش حجم تبادلات از طریق دریای خزر مشکل کشتی نداریم. اما این مشکل از طریق ترکمنستان همچنان وجود دارد. مسئله خطوط ریلی که از استان مانگیستائو که استان ساحلی قزاقستان است شروع می‌شود، سپس باید از طریق ترکمنستان در شهر گرگان به ایران متصل شود، و در ادامه از آنجا به سمت جنوب از جمله به خلیج فارس امتداد پیدا کند. این امر در اصل به خاطر تأکیدی است که رئیس‌جمهور قزاقستان در ابتدای دهه ۹۰ از ضرورت دسترسی به اقیانوس‌ها و آبهای آزاد برای کشور ما داشتند، که کوتاه‌ترین راه آن از طریق ایران خواهد بود. البته این امکان و دسترسی به اقیانوس آرام از طریق چین و خطوط ریلی برای ما ایجاد شده است. ما برای تبادل کالا بندر لیان یون هان چین در دریای زرد را خریداری کردیم. از آنجا می‌توانیم کالاهایمان را از آسیای شرقی از طریق خاک چین و دریای زرد به اروپا منتقل کنیم. این مسیر اکنون برای مبادله کالا به اروپا کاملاً آماده است. از طریق بندر لیان یون هان چین در دریای زرد و سپس به جنوب اروپا. در این فرآیند کالاها به دریای زرد می‌رسد. سپس واگن عوض می‌شود از طریق باکو-تفلیس-جیحان-اروپا؛ که البته این مسیر بسیار طولانی و هزینه‌ان بسیار بالاست و اصلاً مقرون به صرفه نیست. اما راه ایران ساده‌ترین و کوتاه‌ترین راه است اما اینکه چرا این مسیر فعال نیست و اتفاق خاصی نیفتاده، به همان دلایلی است که شما مطرح کردید، در سطوح بالا توافق انجام می‌شود اما در سطوح پایین موانع کوچکی پیش می‌آید، مشکلاتی از قبیل مشکل تعرفه‌ای، مشکل واگن‌ها، مشکل ویزا و ناکافی بودن اطلاعات هم برای تجار ایرانی و هم قزاقی. همچنین مشکل زبان هم وجود دارد. بسیاری از اطلاعات در سایت سفارت قزاقستان به زبان روسی است. و این برای تجار ایرانی مشکل ایجاد می‌کند، بسیاری از منابع ایرانی هم به زبان فارسی است و ضمناً این اطلاعات کافی هم نیست. همانطور که گفتم بیشتر این مشکلات حل شده است. با توجه به تمهیداتی که ترتیب داده بودیم از سال ۲۰۱۶ به این طرف امکان دسترسی به آبهای آزاد با دسترسی به اقیانوس آرام برای قزاقستان فراهم شد. بیشتر این مشکلات با هماهنگی‌هایی که با چینی‌ها انجام دادیم حل شده و در واقع برای رفع موانع فنی، از قبیل تعرفه‌ها و مشکلاتی از این دست اقدامات خوبی انجام گرفته است. همکاران ما در قزاقستان برای رفع این مشکلات کارهای خوبی انجام دادند. کارگروهی تشکیل شده که پیگیر این امور است. اما در رابطه با ایران، مشکل بعدی که حل آن دشوارتر است بحث راه و جاده‌ها و مشکل برقراری ارتباط است که به آن پرداختیم.

بحث بعدی بحث ساختار اقتصادی است هم در قزاقستان و هم در ایران؛ و مسائلی که در این حوزه با آن مواجهیم. در واقع این مسئله که قزاقستان چه چیزهایی برای ارائه به ایران دارد و بالعکس ایران از چه قابلیت‌هایی برای ارائه به قزاقستان برخوردار است.

امروز در نشستی که در دفتر مطالعات داشتیم یکی از کارشناسان، جناب آقای دکتر پاک پرور گفتند ایران اقتصاد بسیار متنوعی دارد و در حوزه‌های مختلف از قابلیت‌های زیاد و صنایع تخصصی برخوردار است. این همان ساختار اقتصاد است. اما قزاقستان اقتصاد متنوعی ندارد، با این حال می‌تواند در زمینه صنعت متالوژی، تولید و صادرات غلات و در بحث مواد

خام با ایران همکاری داشته باشد. ایران طرح‌های صنعتی بزرگی دارد، صنعت در ایران خیلی پیشرفته‌تر، و اقتصاد آن بسیار متنوع‌تر از اقتصاد قزاقستان است. در واقع اقتصاد دو کشور از این نظر متفاوت هستند. از این رو، به لحاظ دیالکتیک ایران به دلیل ظرفیت‌هایی که دارد می‌توانست به صادرکننده ماشین‌آلات، دستگاه‌ها، تجهیزات، تکنولوژی و مکانیزم‌های پیشرفته برای تولید محصولات شیمیایی تبدیل شود. چرا که سطح این موارد در ایران بسیار بالاتر از قزاقستان است. لذا ایران می‌توانست به لحاظ نظری یک صادرکننده بالقوه به کشور قزاقستان باشد که نیست.

اما آنچه در عمل اتفاق افتاده و می‌بینیم این است که صادرکننده و ارائه دهنده اصلی چنین تجهیزاتی و دستگاه‌هایی به قزاقستان اتحادیه اروپا، چین، تا حدی آمریکا و کانادا و یک مقدار کمی هم ترکیه هستند. و ایران در واقع در حال حاضر هیچ حضوری در این حوزه ندارد. به همین دلیل اگر قرار باشد تغییری در این وضعیت ایجاد کنیم و حجم واردات ایران به قزاقستان افزایش یابد، این امر مستلزم تلاش فراوانی است؛ همانند محصولاتی که آمریکا تولید می‌کند. چراکه در این رابطه، این مسئله جاافتاده که چنین شرکت‌هایی که با تجهیزات و تکنولوژی سروکار دارند کلیه خدمات پس از فروش هم با آنهاست. برای مثال وقتی قزاقستان محصولی را از شرکت بوش خریداری می‌کند، کلیه خدمات پس از فروش، اعم از تعمیرات، لوازم جانبی و تجهیزات مرتبط با آن دستگاه نیز براساس قراردادهایی که بین قزاقستان و شرکت امریکایی بوش امضاء شده، بر عهده شرکت بوش است و این شرکت نسبت به انجام آنها متعهد بوده و ملزم به انجام آن است. بنابراین اگر قرار باشد برای خرید یک دستگاه جدید این همکاری به سمت ایران منتقل شود این امر به تلاش مضاعفی احتیاج دارد که باید همه این مسائل جانبی را پوشش دهد. مسئله بعدی هم این است که با توجه به اینکه بازار قزاقستان تحت کنترل و در اختیار کشورهای اروپایی و امریکایی است، محصول ایرانی که قرار است وارد بازار قزاقستان شود، اگر کیفیت بهتری از محصولات و کالاهای اروپایی و امریکایی ندارد حداقل نباید از محصولات این کشورها بدتر باشد.

از دیگر حوزه‌هایی که می‌توانیم همکاری‌های بیشتر و مشارکت فعالی داشته باشیم، حوزه مواد خام است. اما برای کار کردن در این حوزه نیز با مشکلاتی مواجه هستیم. مثلاً در حوزه غلات در سال‌های اخیر ایران خرید غلات از قزاقستان را کاهش داده چون در ده سال اخیر غلات قزاقستان با کاهش کیفیت مواجه بوده و این باعث شده ایران هم خریدش را کاهش دهد. البته ما در حال حل این مساله هستیم. در واقع سعی داریم کیفیت محصولاتمان را بهبود دهیم. مساله بعدی کالاهای دیگری است که می‌تواند به ایران وارد شود، کالاهایی از قبیل برنج، نخود، انواع دانه‌های روغنی و روغن آفتابگردان و انواع دیگر روغن‌ها که ما می‌دانیم در کشورهای منطقه خلیج فارس نیاز زیادی به این محصولات هست و قزاقستان در این حوزه حرف زیادی برای گفتن دارد. مورد بعدی موضوع وسعت اراضی قابل کشت در قزاقستان است. در واقع میلیون‌ها کیلومتر از مساحت قزاقستان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و مساحت زیادی از مناطق آن زیر کشت نرفته است و این محصولات می‌توانند در این اراضی کشت و به دیگر کشورها صادر شود در واقع ما زمین داریم و می‌توانیم حجم محصولاتمان را افزایش دهیم.

حوزه بعدی در ارتباط با قابلیت‌های قزاقستان، تولید گوشت است. تا قبل از فروپاشی شوروی قزاقستان یکی از مراکز تولید گوشت در شوروی به شمار می‌آمد و همانطور که کشورهایی که دارای وسعت اراضی هستند مثل کانادا، برزیل و سایر کشورهای پروسعت قابلیت خوبی برای تولید گوشت باکیفیت دارند، قزاقستان هم به خاطر مساحت زیاد از جمله

کشورهایی است که گوشت تولیدی آن از کیفیت خوبی برخوردار است، همچنین در حال حاضر کشتارگاه‌ها گوشت حلال را تولید می‌کنند و ما در حال حاضر حتی صادرات گوشت به کشورهای حوزه خلیج فارس را هم داریم. چیزی که ما فعلا شاهد آن هستیم این است که کشورهای منطقه، گوشت مصرفی خود را از جاهای بسیار دور مثل استرالیا یا امریکای جنوبی تأمین می‌کنند، و این بُعد مسافت، هزینه‌های زیادی را برای کشور واردکننده به همراه دارد در حالی که تهیه گوشت از قزاقستان بسیار راحت است چراکه به دلیل نزدیکی جغرافیایی هم سریعتر صورت می‌گیرد و هم باعث کاهش هزینه‌ها خواهد شد، از طرف دیگر قزاقستان از نظر لجستیک و زیرساخت‌های لازم هم کشوری قوی محسوب می‌شود، همانطور که گفتیم ما راه آهن را نیز راه‌اندازی کردیم، و در زمینه دریایی هم اقدامات لازم برای تبادل کالا صورت گرفته است و قزاقستان می‌تواند کشور هدف برای صادرات گوشت به کشورهای منطقه باشد؛ هرچند ایران در سال‌های اخیر با افزایش جمعیت چشمگیری مواجه نبوده اما در آفریقا که شاهد افزایش جمعیت هستیم قطعاً نیاز آنها به گوشت بسیار بالاست و قزاقستان می‌تواند به یکی از کشورهای عمده صادرکننده گوشت و محصولات کشاورزی تبدیل شود.

روسلان ایزیمف:

«همانطور که شما هم می‌دانید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بیش از ۵ سال اعمال شد و طی این چند سال همه ارتباطات قبلی ایران با سایر کشورها قطع شد، از جمله ارتباطات مالی، زیرساخت‌ها و در واقع همه ارتباطاتی که قبلاً وجود داشت از بین رفت. در واقع از دوسال پیش پس از برداشته شدن تحریم‌ها، این مشکلات به تدریج در حال برطرف شدن است. برای نمونه یکی از مشکلاتی که وجود دارد موضوع استفاده از ویزاکارت یا مسترکارت است. در همه کشورهای دنیا می‌شود از این کارت‌ها استفاده کرد اما من در ایران نمی‌توانم از ویزاکارت خود استفاده کنم. البته به من گفتند که در ایران در یک بانک چنین امکانی به تازگی فراهم شده است. در واقع برای تبادل باید انتقال وجه داشته باشیم و انتقال وجه در حجم بالا هم قطعاً به صورت نقد نمی‌تواند صورت بگیرد، ما عادت کردیم این کار را از طریق سیستم بانکی انجام دهیم. ولی متأسفانه چنین مشکلاتی وجود دارد هرچند که این مشکلات کم‌کم حل می‌شود و ما امیدواریم که این موانع برطرف شود. باید اضافه کنم که دو طرف باید تلاش مضاعفی برای برداشتن موانع صورت دهند، همین رفت و آمدها، حضور ما در این موسسه، گفتگوهای علمی، برگزاری کنفرانس‌ها و تبادلاتی که بین کارشناسان دوطرف صورت می‌گیرد به درک بهتر از یکدیگر و گسترش روابط کمک خواهد کرد و همانطور که جناب آقای بهشتی پور امروز فرمودند که قزاقستان بزرگترین کشور تولیدکننده اورانیوم در جهان است و خیلی‌ها این را نمی‌دانند، که این امر نشان‌دهنده این است که کارشناسان باید تلاش مضاعفی داشته باشند و من فکر می‌کنم که این بحث‌ها زمینه افزایش همکاری‌ها را فراهم می‌کند».

حسین طباطبایی:

البته حوزه بحث من تا حدی از بحث اقتصاد سیاسی دوستان متفاوت است. به هر حال قزاقستان در میان کشورهای آسیای مرکزی به عنوان کشوری واجد شرایط تنوع قومی- مذهبی بسیار گسترده شناخته می‌شود و از تعامل و همزیستی نسبتاً

مطلوبی هم بین اقوام و مذاهب برخوردار است. به ابتکار جناب آقای نظربایف رئیس جمهور قزاقستان همایش بزرگ رهبران ادیان جهانی چندین سال است که در قزاقستان برگزار می‌شود که چنین همایشی در این منطقه جالب توجه است. همچنین می‌بینیم که قزاقستان از آفت دیگری که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز درگیر آن است به طور نسبی در امان مانده و آن بحث افراط‌گرایی دینی است. علاقمندم که رمز این مسئله را در قزاقستان بیشتر و دقیق‌تر دریابم و همچنین با چشم‌انداز نگاه یک قزاقی نسبت به مساله افراط‌گرایی دینی در آسیای مرکزی آشنا شوم.

ولی کوزه گر کالجی:

در رابطه با همکاری‌های اقتصادی دو کشور باید عرض کنم اکتبر سال گذشته سفری به بندر آکتائو در استان مانگیستائو در حاشیه دریای خزر داشتیم. هم پیشرفت‌های آکتائو در توسعه بندر، زیرساخت‌ها و همچنین بندر آتیرائو که از نزدیک شاهد آن بودم برای من جالب بود. ظرفیت خوبی برای ارتباط بندر آکتائو و بندر آتیرائو با بندر ترکمن و گرگان در شمال شرق ایران وجود دارد که در مقایسه با ارتباطاتی که بین آکتائو و آتیرائو با باکو و ماحاچ قلعه و یا آستاراخان برقرار است، از این ظرفیت به خوبی استفاده نشده است. ضمناً شما می‌دانید که ما در گرگان قزاق محله داریم که از هموطنان شما هستند و ما سپتامبر سال گذشته پرواز آکتائو به گرگان را داشتیم. این پرواز افتتاح شد اما متأسفانه مدت کوتاهی پس از افتتاح، پرواز آکتائو به گرگان کنسل شد. و ما ناگزیر برای عزیمت به آکتائو از مسیر طولانی تهران-باکو و باکو-آکتائو استفاده کردیم. هم در مسیر رفت و هم در مسیر برگشت چندین نفر از اهالی قزاق محله با ما بودند. در حالی که اگر در مسیر گرگان-آکتائو پرواز مستقیم دایر شود می‌تواند هم در کوتاه‌شدن مسیر رفت و آمد این افراد و هم بازرگانان دو طرف موثر واقع گردد. من در همین رابطه با آقای ادیب، سرکنسول ایران در آکتائو صحبت کردم و ایشان می‌گفتند شاید در نیمه دوم سال یا در فصل سرد سال تعداد مسافر کاهش یابد اما هم شرکت هواپیمایی ایران و هم قزاقستان باید صبوری ورزند و نگاه درازمدتی داشته باشند تا همانطور که پرواز تهران-آستانه را راه اندازی کردیم، پرواز ساری-آکتائو یا گرگان - آکتائو هم مستلزم زمان است تا این مسیر هم جاییافتد و مسافر خود را پیدا کند. و اما نکته بعدی، در بحث واگن که اشاره شد، ما علاوه بر نیاز به واگن‌های متناسب با خطوط ریلی، با توجه به شرایط آب و هوایی قزاقستان به واگن‌های مخصوص حمل میوه و مرکبات هم نیاز داریم. چراکه اگر در نیمه دوم سال بخواهیم مرکبات را از مناطق شمالی ایران به بازار قزاقستان که به آن نیاز دارد برسانیم، این میوه باید تازه و سالم به مقصد برسد که این امر مستلزم دراختیارداشتن واگن‌های مخصوص و یخچالی است. اینها نکات فنی است که باید در نظر گرفته شود و بحثی بسیار جدی است.

یرژان سالتیبایف:

من به ترتیب به سوالات مطروحه پاسخ می‌دهم. ابتدا در رابطه با موضوعی که جناب آقای دکتر طباطبایی مطرح کردند. لازم به ذکر است اجلاسی که شما به آن اشاره کردید هر سه سال یکبار برگزار می‌شود. ما در مورد حل مسائلی که به کشورمان مربوط می‌شود مدل منحصر به فردی داریم، از جمله درباره مسائل مرتبط با اتحاد مذاهب و نژادها. از جمله همین مسئله تنوع اقوام که فرمودید در واقع از میراث و نتیجه دوران اتحاد شوروی است که ما به آن عادت کرده ایم. به

طوری که در زمان شوروی از قزاقستان به عنوان «آزمایشگاه دوستی مردم» یاد می‌کردند. انواع اقوام را به هر دلیلی از جمله تبعید در قزاقستان گرد هم می‌آوردند و یا برای تعریف چینش اقوام از قزاقستان استفاده می‌کردند و در واقع ما از همان زمان شوروی فراگرفتیم که همه قومیت‌ها با هم و در کنار هم زندگی کنیم. خیلی از این اقوام از مهاجران پس از جنگ جهانی، مهاجران سرکوب‌های قومی و یا از تبعیدی‌های نژادی بودند که شامل چچن‌ها، بالکان‌ها، کاباردین‌ها، اینگوش‌ها، تاتارها، تاتارهای کریمه، آلمانی‌ها، کره‌ای‌ها، روس‌ها و می‌شود. و به این ترتیب قزاقستان در فرآیند استقرار اقلیت‌های قومی بسیار زیادی قرار گرفت که هنوز هم تنوع آنها زیاد است. در حال حاضر ۱۳۰ قومیت در قزاقستان داریم، البته بزرگی آنها متفاوت است ممکن است تعداد برخی از آنها حتی ۱۰ یا ۲۰ نفر باشد. درکل فضایی ایجاد شد که بسیاری از مردم در آن لقب یا عنوان خاصی نداشتند، بلکه بیشتر از همه خود را تابع هویت شوروی می‌دانستند. این هویت شوروی هم بسیار قوی بود.. در واقع وضعیت قزاقستان مثل جمهوری ارمنستان نبود که همیشه بیشتر از ۹۰ درصد ساکنان آن ارمنی بودند و اجازه ندادند اقوام دیگر در محیط آنها بیایند و یا حتی زبانشان را عوض بکنند. آنها حتی در زمان شوروی ارمنی صحبت می‌کردند. اما در قزاقستان اینگونه نبود. قزاقستان شرایط صلح را تجربه کرده و این را آموخته که باید شرایط تساوی را درخصوص برابری قومیت‌ها رعایت کنیم. اخیرا در قزاقستان جمعیت قزاق‌ها رو به افزایش است که البته ما هم به این امر مایل هستیم که این اتفاق هم افتاده است و الان حدود ۷۳-۷۴ درصد قزاق در کشور زندگی می‌کنند و نژادمان دارد به سمت یکدست شدن و قزاق شدن پیش می‌رود. الان روس‌ها و آلمانی‌هایی که از زمان شوروی باقی مانده‌اند بیشتر در شمال کشور ساکن هستند و در بخش‌های جنوبی اقوامی مثل ازبک‌ها بیشترند. با این حال مردم کشور ما که از قومیت‌های مختلف هستند این شیوه همزیستی را آموخته‌اند و مثلا من که قزاق هستم بلد نیستم به یک ازبک بگویم تو اینچینی و ما اینچنین نیستیم. ما بر این امر واقفیم که همگی تحت تابعیت قزاقستان زندگی می‌کنیم و از هویت قزاقی برخورداریم و خدارا شکر تاکنون هم مشکلی در این رابطه پیش نیامده است.

اما در مورد مسائل مذهبی که شما مطرح کردید. باید بگویم همانطور که می‌دانید گرایش‌های مذهبی در زمان شوروی ممنوع بود. مساجد اصلا هیچ جایگاهی نداشتند. تا قبل از انقلاب ۲۰۰۰ مسجد در قزاقستان وجود داشت که بعد به ۶۰۰ عدد رسید. البته من نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده آیا این مساجد را تخریب کردند و یا اینکه این مساجد دیگر مایل به فعالیت نبودند. پس از استقلال در سال ۱۹۹۱، اسلام در قزاقستان افزایش یافت. در حال حاضر در کل ۲۵۰۰ مسجد در قزاقستان وجود دارد. البته برخی از خانه‌های کوچکی هم هستند که در آنها عبادت می‌کنند و به آنها هم مسجد می‌گویند، البته ممکن است به بزرگی مسجد جامع خزرسلطان در آستانه نباشد. ما از این دست مساجد کوچک زیاد داریم. در حال حاضر دولت متوجه این موضوع شده که باید تفاهمی را بین مذاهب ایجاد کند. ما دراصل در کشورمان مذهب حنفی را داریم. لکن دولت قصد دارد این نکته را انتقال دهد که ما همگی مسلمانیم و کاری به مذاهب نداشته باشیم. اکثریت ما مسلمان هستیم. اصلا در جامعه ما شیعه یا سنی، اقلیت یا اکثریت مطرح نیست. در کشور ما کسی به این موضوعات نمی‌پردازد. و همه صرفا پذیرفته‌اند که همگی مسلمانند. مثلا چچنی‌ها و اینگوش‌ها که از اتباع کشور ما هستند شافعی هستند، اما در چارچوب سنی. آذری‌ها شیعه هستند. ضمنا مشیء دولت قزاقستان بر این است که تحصیلات دینی در خود قزاقستان انجام شود و تحت تأثیر دیگر مراکز سنی که تعریف و تعبیر دیگری از اسلام دارند نباشند، بلکه این آموزش‌های دینی توسط خود قزاق‌ها و در مدراس دینی آنها صورت بگیرد و اینطور نباشد که کسانی که در این مدارس آموزش علوم دینی

می پردازند در اسلام آباد، یا تهران، یا دیگر مراکز و کشورها آموزش دیده باشند؛ مشکلی که وجود دارد مسئله رادیکالیسم است که در این رابطه یک زمانی در شهر آکتائو اختلافاتی هم ایجاد شد. چند نفری بلند شدند و گفتند می خواهند علیه کسانی که آمدند داخل کشور و آنها را خارجی می نامیدند جهاد کنند که تلفاتی هم داشتیم که دولت تصمیم گرفت آنها را سرکوب و تلاش های آنها را خنثی کند. آنها هم تکفیری بودند و هم رادیکال (اشاره به شورش اوکتوپه) و چون دولت رویه و مشی آنها را دید تصمیم به سرکوب آنها گرفت.

ولی کوزه گر کالجی:

بحث شورش اوکتوپه برای من بسیار مهم است. آنچه ما درباره علت این شورش شنیدیم بحث فروش زمین های کشاورزی به چینی ها بود که در واقع یک نوع اعتراض ناسیونالیستی بود. شاهد مقالات متعددی هم درباره چینو فوبیا یا چین هراسی در بطن جامعه قزاقستان بودیم. یعنی به موازات گسترش سطح روابط دولتی نوعی چین هراسی در جامعه قزاقستان در حال شکل گیری است. حال برای من جالب است که این موضوع از زاویه افراط گرایی مطرح می شود. اگر کوتاه در این باره توضیح دهید ممنون می شوم.

یرژان سالتیبایف:

بطور کلی، برخی نگاه های احساسی ناخوشایند در میان مردم در خصوص چین وجود دارد، چرا که تعداد زیادی کارگران مهاجر چینی حضور دارند، اما این به معنی چین هراسی نیست. لذا این ترس از چین صرفاً در بخش هایی از کشور وجود دارد و به دلایل مشخص و محدودی شکل گرفته است. به عنوان مثال در روستای کوچکی در اطراف شهر آکتائو، مهاجران چینی زندگی می کنند. با توجه به اینکه این افراد از روستا آمده و آشنا به سنت های محل اقامت خود نیستند. همین عامل می تواند به برخی احساسات منفی در میان بومیان آکتائو دامن بزند. دوباره تاکید می کنم که این احساسات همانند یک جنبش، سرتاسر آن منطقه را فرا نگرفته است. تعدادی راه پیمایی های اعتراضی در این خصوص از سوی مردم انجام شده است، اما پس از اینکه دولت تصمیماتی را اتخاذ نمود و گروه کاری را متشکل از قانونگذاران آن منطقه ایجاد نمود، اعتراضات مردمی فروکش کرد، چرا که همه افراد متوجه نیازهای آن مهاجران شدند. لذا در حال حاضر این موضوع پایان یافته است. اما در خصوص ترس از چینی ها باید این را بگوییم که هر جا چینی ها زندگی می کنند، چین هراسی هم وجود دارد. اما این به معنی آن نیست که یک جریان سیاسی در ورای این چین هراسی وجود دارد و بر شدت آن می دمد. این موضوع در آن منطقه صرفاً به دلیل ناآگاهی بومیان از نحوه زندگی و رفتار مهاجران چینی بوده است که پس از مدتی برطرف گردید.

پایان گزارش /